



History & Culture

تاریخ و فرهنگ

Vol. 51, No. 2, Issue 103

سال پنجاه و یک، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰۳

Autumn & Winter 2019-2020

پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ص ۲۱۳-۱۹۷

DOI: <https://doi.org/10.22067/jhc.v51i2.87242>

میرزا رضا ارفع الدوله (۱۲۷۰-۱۳۵۶ق) و کارنامه سفارت عثمانی *

دکتر حسن حضرتی^۱

دانشیار دانشگاه تهران

Email: hazrati@ut.ac.ir

محمدحسین صادقی

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران

Email: sadeghihossein@ut.ac.ir

چکیده

مقاله حاضر در صدد ارائه توصیف و تبیینی از حیات سیاسی میرزا رضا ارفع الدوله با تأکید بر کارنامه سفارت وی در عثمانی است. در این پژوهش با بهره‌گیری از منابع مختلفی از قبیل خاطرات، روزنامه‌ها، اسناد آرشیوی و سایر پژوهش‌ها، کارنامه سفارت ارفع در استانبول مورد ارزیابی قرار گرفته است. مدعای پژوهش آن است که میرزا رضا ارفع الدوله در قامت سفیر ایران در عثمانی با بهره‌گیری از توانایی‌های دیپلماتیک و روابط حسنه‌ای که با سلطان عثمانی داشت، زمینه حل و فصل مسالمت آمیز مسائل و مشکلات میان دو کشور را فراهم می‌کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که حل مشکلات مرزی ناشی از رفت و آمد ایلات و تهاجم نظامیان دولت عثمانی به ایران، تلاش در جهت حل مشکل خدمت سربازی اتباع ایرانی که مادر عثمانی داشتند، افزایش تعرفه گمرکی ایران، نقش آفرینی در معافیت ایرانیان مقیم استانبول از پرداخت مالیات معوقه مدرسه، بیمارستان و قبرستان ایرانیان، کسب اجازه اجرای آزادانه مناسک دینی ایرانیان و شیعیان در مکه و مدینه، همکاری با انجمن سعادت و حل ماجرای گزارش وهاب‌بیگ سفیر عثمانی در ایران مبنی بر بی‌احترامی ایرانیان به مقدسات اهل سنت که خشم توفیق‌پاشا وزیر خارجه عثمانی را به دنبال داشت، از جمله چالش‌ها و اقدامات میرزا رضا ارفع الدوله در عثمانی بوده است.

کلیدواژه‌ها: عثمانی، قاجار، میرزا رضا ارفع الدوله، سفارت.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۳/۲۰؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۹/۰۵/۱۱.

۱. نویسنده مسئول.

Mirza Reza Arfa al-Dawlah (1270-1356 AH) and the Record of the Ottoman Embassy

Dr. Hassan Hazrati, Associate Professor of the University of Tehran (Corresponding Author)

Mohammad Hussein Sadeghi, PhD student in Islamic History, University of Tehran

Abstract

The present article seeks to describe the political life of Mirza Reza Arfa al-Dawla with emphasis on the record of his performance as a diplomat in the Ottoman Empire. In this paper, drawing on diverse sources such as memoirs, newspapers, archival documents and other studies, the diplomatic records of Arfa in Istanbul are evaluated. The research posits that Mirza Reza Arfa al-Dawla, as Iran's ambassador to the Ottoman Empire, took advantage of his diplomatic skills and good relationships with the Ottoman sultan to pave the way for the peaceful resolution of issues between the two countries. The findings suggest that addressing the border problems triggered by the displacement of tribes and the Ottoman government's military invasion to Iran, striving to settle the problem of military service of Iranian citizens born to an Ottoman mother, raising Iran's customs tariff, contributing to the exemption of Iranians living in Istanbul from paying deferred tax on Iranian schools, hospitals and cemeteries, obtaining the permission to perform Iranian and Shiite religious rites freely in Mecca and Medina, and cooperating with the Saadat Association to resolve the case regarding the report of Wahhabeing, the Ottoman ambassador to Iran, on Iranians' disrespect to Sunni sacred rituals, which provoked the wrath of Tawfiq Pasha, Ottoman Foreign Minister Ottoman Empire, are among the challenges facing and measures taken by Mirza Reza Arfa al-Dawlah in the Ottoman Empire.

Keywords: Ottoman, Qajar, Mirza Reza Arfa al-Dawla, Embassy

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌هایی درباره میرزا رضا ارفع الدوله به انجام رسیده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: فاطمه معزی در مقاله‌ای با عنوان «میرزا رضاخان ارفع الدوله»^۱ خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و فعالیت‌های سیاسی ارفع الدوله ارائه کرده و به طور مختصر اشاره‌ای نیز به دوره حضور وی در استانبول دارد. حمید نجار در «گزارش مطبوعات از حامیان مدارس مظفری (۱۳۱۴-۱۳۲۴ق)»^۲ پس از ارائه زندگی‌نامه مختصری از میرزا رضا ارفع الدوله در ذیل عنوان «کارنامه فرهنگی ارفع الدوله» تنها وجه خاصی از کارنامه وی را مورد توجه قرار داده و با وجود تمرکز بر موضوع حمایت وی از مدارس نوین، دیگر فعالیت‌های فرهنگی وی را نادیده گرفته است. افزون بر این، سمیرا یوسفی قرجه‌قیایی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان میرزا رضا ارفع الدوله دانش در قفقاز (کارنامه سیاسی و فرهنگی)^۳ پس از ارائه زندگی‌نامه او، گزارشی هم از اقدامات فرهنگی و سیاسی‌اش در دوره‌های قاجار و پهلوی به دست داده است. با توجه به عنوان این پژوهش تمرکز اصلی آن بر دوره حضور ارفع الدوله در قفقاز بوده و به دوره حضور وی در عثمانی توجه شایانی نشده است. همچنین حسن مرسلوند در زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران،^۴ زندگی‌نامه مختصری از ارفع الدوله به دست داده که مطالب آن شباهت زیادی به دیگر آثار در زمینه شرح حال از جمله شرح حال رجال ایران^۵ دارد. آنچه موجب تمایز پژوهش حاضر با موارد نام‌برده می‌شود، تأکید نگارندگان بر دوره حضور ارفع الدوله در عثمانی و بهره‌گیری بیشتر از منابعی همچون روزنامه‌ها و اسناد آرشیو ایران و عثمانی است.

سال‌های آغازین زندگی

رضا ارفع در ۱۲۷۰ق/۱۲۳۳ش/۱۸۵۴م در تبریز و در محله اندرون شتربان (معروف به محله ابروانی‌ها) دیده به جهان گشود. پدرش حاجی شیخ حسن ابروانی و مادرش کلثوم خانم دختر آقاصفر تبریزی بودند.^۶

۱. فاطمه معزی، «میرزا رضاخان ارفع الدوله»، تاریخ معاصر، شماره ۲۳ (۱۳۸۱ش): ۲۸۹-۳۲۰.

۲. حمید نجار، «گزارش مطبوعات از حامیان مدارس مظفری (۱۳۱۴-۱۳۲۴ق)»، خردنامه، شماره ۱۳ (پاییز و زمستان ۱۳۹۳): ۸۳-۱۱۶.

۳. سمیرا یوسفی قرجه‌قیایی، میرزا رضا ارفع الدوله دانش در قفقاز (کارنامه سیاسی و فرهنگی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: حسن حضرتی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۲ش.

۴. حسن مرسلوند، زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران (جلد اول: ۱۲۹۹-۱۳۲۰ش) (تهران: الهام، ۱۳۶۹ش).

۵. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران (تهران: کتاب‌فروشی زوار، بی‌تا).

۶. رضا ارفع، گوهر خاوری، به‌کوشش و با مقدمه محمدمصدق حسینی (استانبول: بی‌نا، ۱۳۲۳ق)، ۱۲۳؛ همو، خاطرات پرنس ارفع دانش، به‌کوشش علی

دهباشی (تهران: شهاب ناقد و سخن، ۱۳۷۸ش)، ۵.

وی تا یازده سالگی در مکتب، آموزش فارسی و عربی دید^۱ و پس از آن که مقدمات علوم را در تبریز فرا گرفت،^۲ برای تدارک مسافرت به نجف اشرف، توسط پدرش برای تحصیل فقه و اصول و تفسیر و علم-الرجال نزد حاج ملا احمد تهباز فرستاده شد.^۳

مسافرت به قفقاز و آناتولی

زمانی که حاجی ملابابا به عنوان قاضی تفلیس منصوب شد، رضای جوان نیز او را همراهی کرد و پس از دو هفته اقامت در تفلیس در ۱۲۹۰ق به همراهی حاجی آقای قفقازی راهی استانبول شد. وی در استانبول به حجره حاجی رضا آقا در خان سنبللی رفته و در امور تجاری او را یاری کرد. او در استانبول وارد مدرسه یونانیان شده و زبان های فرانسه و انگلیسی را فرا گرفت.^۴ در ۱۶ سالگی به سبب بیماری که طیبیان آن را سل تشخیص داده بودند، از درس و مدرسه جدا شد. وی برای درمان بیماری خویش مجبور به حضور در دهکده رکن آباد شد و پس از دو سال بنا بر امر پدرش به تهران بازگشت و تا بیست و پنج سالگی در دارالفنون به تحصیل مهندسی مشغول شد.^۵ زمانی که برای انجام مأموریتی راهی تفلیس شده بود، زبان روسی را نیز فرا گرفت و با میرزا فتحعلی آخوندزاده آشنا شد.^۶ مدتی بعد به عنوان مترجم ناصرالدین شاه با وی راهی جلفا شد^۷ و پس از آن هم در موقعیت های مختلف به مترجمی برای دولت ایران مشغول بود. پس از مدتی و در جریان جنگ میان روسیه و عثمانی - معروف به جنگ قارص که با شکست عثمانی خاتمه یافت - نزدیک ده هزار اسیر عثمانی در بیرون شهر اسکان داده شده بودند و به علت عدم آشنایی «صاحب-منصبان ارکان حرب روسیه» با زبان ترکی عثمانی، ارامنه قفقاز به سرپرستی این اسیران تعیین شده و حقوق ایشان را پامال می کردند. در نتیجه درخواست رئیس ستاد از علاءالملک، وی میرزا رضا را به علت آشنایی با زبان های ترکی و روسی، برای انجام مأموریتی در راستای تحقیق حال اسرای عثمانی فرستاد. وی این وظیفه را با جدیت انجام داد. در نتیجه حکومت عثمانی از وی تشکر کرد و درجه چهارم مجیدیه را به وی اعطا کرد. این اولین نشان خارجی از نشان های عدیده ای بود که میرزا رضاخان در طول دوران خدمتش از

۱. ارفع، گوهر خاوری، ۳۹.

۲. ارفع، خاطرات پرنس ارفع دانش، ۸.

۳. محسن ساعی حریرچیان، ارفع نامه (تاریخچه زندگانی جناب اشرف پرنس ارفع متخلص به دانش) (تهران: بی نا، ۱۳۱۴ش)، ۵.

۴. ارفع، گوهر خاوری، ۱۲۴؛ همو، خاطرات پرنس ارفع دانش، ۴۰-۴۳.

۵. همو، گوهر خاوری، ۳۹-۴۰.

۶. همو، خاطرات پرنس ارفع دانش، ۴۴-۴۷.

۷. همان، ۵۴، ۵۶.

دولت‌های خارجی دریافت می‌کرد.^۱ وی در ۱۳۰۷ق و با دریافت لقب معین‌الوزاره از سوی ناصرالدین شاه، به عنوان ژنرال قنصل قفقاز، جای میرزا محمدعلی خان معین‌الوزاره را که مأمور سفارت لندن شده بود، گرفت و راهی تفلیس شد.^۲ در تفلیس و با منصب سرکنسول بود که با لودمیلا جرویس آشنا شد و با وی ازدواج کرد.^۳

حضور در روسیه

میرزا رضا در ۱۳۱۲ق به جای علاءالملک که از پترزبورگ احضار و به سفارت کبرای استانبول نائل شده بود، با سمت وزیرمختار و ایلچی مخصوص به پترزبورگ فرستاده شد.^۴ در محرم سال ۱۳۱۳ق ناصرالدین شاه لقب معین‌الوزاره را برای میرزا رضا کم دید و با اعطای لقب «ارفع الدوله»، سمت وزیر مختار ایران در دربار روسیه را نیز به وی اعطاء کرد. ارفع الدوله در رمضان همان سال و با تصویب امین‌السلطان به منصب امیرتومانی نیز نائل شد.^۵ از جمله اقدامات مهم ارفع الدوله در هنگام اقامت در دربار روسیه می‌توان به تلاش وی جهت رفع مشکلی که میان گمرک ایران و تاجری ایتالیایی به نام کنسونو^۶ رخ داده بود، اشاره کرد که در پی آن مظفرالدین شاه به وی لقب پرنس ارفع را اعطا کرد.^۷

سفارت عثمانی

پرنس ارفع یک ماه پس از کنفرانس لاهه، به عنوان سفیر کبیر فوق‌العاده ایران در جشن بیست و پنجمین سال سلطنت سلطان عبدالحمید دوم راهی استانبول^۸ و در ۱۳۱۹ق سفیر کبیر ایران در آنجا شد.^۹ وی در سال نخست سفارت استانبول، شاهزاده سلطان صمد میرزا عضدالسلطنه و شاهزاده حسین میرزا یمین‌الدوله، نخستین افراد از خاندان قاجار را که برای تحصیل راهی اروپا می‌شدند، راهی وین کرد.^{۱۰} هنگامی

۱. همان، ۷۱-۷۰.

۲. همان، ۳۰۸؛ عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من (تهران: زوار، ۱۳۸۴ش)، ۱۰۸/۲.

۳. حسن ارفع، در زمانه پنج شاه (تهران: ماهی، ۱۳۸۷ش)، ۱۵، ۲۳-۲۲.

۴. ارفع، خاطرات پرنس ارفع دانش، ۳۲۶؛ مستوفی، شرح زندگانی من، ۱۰۸/۲.

۵. ارفع، خاطرات پرنس ارفع دانش، ۳۴۶-۳۴۷؛ محمدحسن اعتمادالسلطنه، خلسه مشهور به خواب‌نامه، به تصحیح محمود کتیرانی (تهران: طهوری، ۱۳۴۸ش)، ۱۷۴-۱۷۶.

۷. ارفع، خاطرات پرنس ارفع دانش، ۳۴۷-۳۵۰.

۸. همان، ۳۷۶.

۹. همان، ۳۸۱.

۱۰. واخا: شماره بازیابی: GH1319-K19-P23-45

که وی راهی سفارت کبرای استانبول بود، مظفرالدین شاه از وی خواسته بود تا با سیاست‌های عثمانی درباره اتحاد اسلام همراهی کرده و به عبدالحمید دوم نیز مساعدت ایران را اعلام کند.^۱ با وجود این، برنامه اتحاد اسلام در نتیجه عدم نظر مساعد شیخ ابوالهدی، از رؤسای طریقه رفاعیه حلب که دارای خانقاهی در استانبول بوده و بر سلطان عبدالحمید دوم تاثیر فراوانی داشت، نسبت به وجود مقام پادشاهی شاهان قاجار و اعتقاد به اینکه عالم اسلام نیازی به بیش از یک پادشاه (سلطان عبدالحمید دوم) ندارد، به موفقیت نرسید.^۲

پرنس ارفع در استانبول با تحریک روسیه، قرارداد گمرکی ایران و عثمانی را تغییر داده و موجب افزایش تعرفه گمرکی ایران شد.^۳ وی در ۱۳۲۰ ق مثنوی طول عمر را با ترجمه ترکی و فرانسوی در استانبول چاپ کرد و نسخه‌های متعدد آن را به مجامع علمی و آکادمی‌های اروپا فرستاد. در همین زمان از سوی دارالفنون لوون کنفرانسی برای تقدیر از پرنس ارفع و این مثنوی برگزار شد.^۴ ارفع الدوله در راستای حل مشکل اولادی که از پدران ایرانی و مادران عرب (عثمانی) به دنیا آمده بودند و دولت عثمانی ایشان را مکلف به انجام خدمت سربازی کرده بود، همچنین مسائل مربوط به دست‌اندازی ایلات و عشایر ساکن عثمانی به قلمرو ایران، تلاش‌هایی صورت داد.^۵ همچنین دبستان ایرانیان و بیمارستان ایرانیان در استانبول را توسعه داد.^۶ نیز با درخواست از سلطان عبدالحمید دوم، ایرانیان استانبول را از پرداخت مالیات معوقه مکتب، مریض‌خانه و قبرستانی که در استانبول بنا کرده بودند، معاف کرد. با وجود این، درخواستش مبنی بر معافیت دائمی این موارد پذیرفته نشد.^۷ وی در سال دوم سفارتش در استانبول، از سوی مظفرالدین شاه به عنوان سفیرکبیر فوق‌العاده برای تبریک جلوس پادشاه اسپانیا، آلفونس سیزدهم، راهی مادرید شد.^۸

ارفع الدوله به سال ۱۳۲۲ ق از سوی عبدالمجید میرزا عین‌الدوله، صدراعظم وقت به تهران احضار شد. بنا بر نظر عبدالحسین خان سپهر، این احضار به منظور برکناری ارفع الدوله بود که روس‌ها مانع این امر شدند.^۹ اما ناظم‌الاسلام کرمانی و احتشام‌السلطنه معتقدند که عین‌الدوله با احضار ارفع الدوله به تهران،

۱. احمدخان ملک ساسانی، یادبودهای سفارت استانبول (تهران: بابک، ۱۳۴۵ش)، ۲۷۶.

۲. همان، ۲۷۷-۲۷۸.

۳. ابراهیم تیموری، عصر بی‌خبری (تهران: اقبال، ۱۳۵۷ش)، ۳۹۶-۳۹۹.

۴. محمدجواد هوشمند، تاریخ پرنس ارفع دانش (تهران: مطبعه طلوع، ۱۳۱۵ش)، ۲۰۴.

۵. واخا، شماره بازیابی: 1319-5-2-003 و 1319-5-21-002.

۶. ارفع، خاطرات پرنس ارفع دانش، ۳۸۸.

۷. خان ملک ساسانی، یادبودهای سفارت استانبول، ۲۷۶.

۸. ارفع، خاطرات پرنس ارفع دانش، ۳۸۸-۳۸۹.

۹. عبدالحسین خان سپهر، مرآت الوقایع مظفری، به تصحیح عبدالحسین نوایی (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۶ش)، ۷۱۵/۲.

مشیرالدوله (وزیر خارجه) را تهدید کرد که ارفع الدوله برای پست وزارت خارجه به تهران احضار شده است و چنانچه وی برای حفظ مقام خود اصرار دارد، بهتر است هشتاد هزار تومان به شاه و بیست هزار تومان به صدر اعظم هدیه دهد. نیز از سویی ارفع الدوله را تهدید به برکناری از مقام سفارت کرد و همین مبلغ را از وی نیز دریافت کرد.^۱ به هرروی، ارفع الدوله از مقام خود برکنار نشد و در چهاردهم جمادی الاخری ۱۳۲۲ق از سوی مظفرالدین شاه فرمان امیرنویانی و نشان و حمایل آن را دریافت کرد. شاه در حاشیه فرمان وی بار دیگر بر این که او نوکری لایق و قابل است، تأکید کرد.^۲ ارفع الدوله در عثمانی ترقی زیادی کرده و ثروت فراوانی به دست آورد. از این رو، توجه بسیار سلطان عبدالحمید دوم را به خود جلب و از وی نشان عالی دولت عثمانی را نیز دریافت کرد.^۳ ارفع الدوله در عثمانی با وجود پیشرفتی که در کار خویش داشت، بر خلاف دوران حضورش در روسیه - که با خاطری آسوده مشغول انجام وظایف بود - با مشکلات عدیده - ای رویه رو شد که مهم ترین آن‌ها عبارت بود از مشکلات زائران ایرانی، دست اندازی عثمانی به مرزهای ایران و چالش با مشروطه خواهان ایرانی مقیم استانبول.^۴

ارفع الدوله پس از انتصاب به سفارت استانبول، برادر خود علی اکبر خان مفخم السلطنه را به کنسولگری جده منصوب کرد.^۵ مفخم السلطنه نیز با راهزنانی که به زوار ایرانی حمله می کردند، سهمیم شده و یک سوم اموال مسروقه را برای خود برمی داشت. در جریان یکی از این راهزنی‌ها کاروان حاج شیخ فضل الله مجتهد نوری، حسام الملک همدانی، عبدالله خان سردار اکرم همدانی، حاج شیخ شیپور و چندین نفر دیگر در راه جده به مکه مورد حمله قرار گرفته و خسارت زیادی بر آنان وارد شد. حجاج نیز شکایت به مظفرالدین شاه و صدراعظم وی (عین الدوله) بردند^۶ که در نهایت ارفع الدوله بنا به امر مشیرالدوله، به جبران این خسارت برآمد.^۷ از این دست ناامنی های مکرر موجبات اعتراض زوار را فراهم آورده بود. در نتیجه، عین الدوله به سفیر ایران دستور رسیدگی داد؛ اما ارفع الدوله با بی اساس خواندن این

۱. نک: میرزا محمد ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴ش)، ۴۴۷/۳، ۵۰۱-۵۰۰؛ میرزا محمودخان احتشام السلطنه، خاطرات احتشام السلطنه، به کوشش سید محمد مهدی موسوی (تهران: زوار، ۱۳۶۶ش)، ۵۴۳.

۲. ایران سلطانی، س ۵۷/۱۲، ۲.

۳. سید ابوالحسن علوی، رجال عصر مشروطیت، به تصحیح حبیب یغمایی و ایرج افشار (تهران: اساطیر، ۱۳۸۵ش)، ۲۱-۲۲؛ BOA, BEO, 1881/141068.

۴. معزی، «میرزا رضا خان ارفع الدوله»، ۳۱۰.

۵. خان ملک ساسانی، یادبودهای سفارت استانبول، ۱۶؛ نیز نک: یارمحمدخان سهام الدوله بجنوردی، سفرنامه های سهام الدوله بجنوردی، به تصحیح قدرت الله روشنی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ش)، ۱۶۳.

۶. خان ملک ساسانی، یادبودهای سفارت استانبول، ۱۶.

۷. محمد ترکمان، مکتوبات، اعلامیه ها و چند گزارش پیرامون نقش شیخ فضل الله نوری در مشروطیت (تهران: رسا، ۱۳۶۳ش)، ۳۵.

اعتراض‌ها، رضایت‌نامه‌هایی از زوار جمع‌آوری کرده و به تهران فرستاد.^۱ بالین‌همه، دستبرد راهزنان به زوار ایرانی ادامه یافت و موضوع لاینحل باقی ماند.

ارفع‌الدوله از سال ۱۳۲۳ق درگیر مسئله تصرف منطقه پَسوه و وزنه و لاهیجان بود. در این زمان نظامیان عثمانی این مناطق را به اعتبار این که جزء خاک آنان است، تصرف کرده و حاضر نبودند نیروهای خود را از آن خارج کنند. ارفع‌الدوله که برای مذاکره با مقامات عثمانی مأمور شده بود، پس از گفتگو با مقامات عثمانی و تشکیل کمیسیونی مشترک، مذاکرات را پی گرفت. نمایندگان عثمانی با حمایت دولت آلمان اصرار داشتند که این مناطق بدون هیچ شک و شبهه‌ای متعلق به عثمانی است. در این میان، ارفع‌الدوله می‌کوشید که بنا به خواسته روسیه و انگلستان و بدون برخورد فیزیکی این غائله را حل کند.^۲ سرانجام پس از تلاش‌های بسیار، احتشام‌السلطنه به ریاست کمیسیون سرحدی انتخاب شد و پس از مذاکرات فراوان، اراضی مورد اختلاف ایران و عثمانی به ایران بازگردانده شد.^۳

ارفع‌الدوله پس از به سلطنت رسیدن احمدشاه قاجار نیز جایگاه خود را در دستگاه دیپلماسی ایران حفظ کرد. به طوری که در سال ۱۳۲۷ق حامل نامه نایب‌السلطنه احمدشاه (عضدالملک) به سلطان عثمانی بود.^۴ وی در هنگام سفارت استانبول، اقدامات مهم دیگری نیز انجام داد که از آن جمله می‌توان به مواردی از قبیل حل ماجرای گزارش وهاب بیگ، کاردار سفارت عثمانی در تهران، مبنی بر توهین ایرانیان به خلفای راشدین و ناراحتی توفیق پاشا (وزیر خارجه عثمانی) از این بابت و تصمیم سلطان عبدالحمید دوم مبنی بر بستن سفارت‌خانه‌ها و بازگشت کارگزاران به کشورهای خود، حل ماجرای محمدآقا رئیس ایل شکاک که از سلطان عبدالحمید دوم درخواست حمله به تبریز و ستاندن انتقام فرزند محمدآقا از نظام‌السلطنه حاکم تبریز را داشت و حل ماجرای تصرف ساوجبلاغ به دست نیروهای عثمانی در سال ۱۳۲۷ق اشاره کرد. در ماجرای وهاب بیگ، ارفع‌الدوله توانست با کیاست و لفاظی، نظر توفیق‌پاشا و سلطان عبدالحمید دوم را جلب کرده و موجب بازگشت وهاب بیگ - که روحیات ضد ایرانی داشت - و گسیل شمس‌الدین بیگ به جای او شود.^۵ درباره ماجرای محمدآقا، دولت عثمانی وارد شدن به جنگ با دولت ایران را به صلاح نمی‌دید؛ ولی با اعطای منصب پاشائی به محمدآقا و میرآلانی به پسرش و صدور دستور حمایت کردهای موصل و وان برای همراهی محمدآقا در حمله به تبریز، کوشید او را یاری کند. پرنس ارفع

۱. خان ملک ساسانی، یادبودهای سفارت استانبول، ۱۸؛ ایران سلطانی، ۱۳۲۲ش، شماره ۳، ۴.

۲. گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، به کوشش واحد نشر اسناد (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰ش)، ۶۱/۴.

۳. معزی، «میرزا رضا خان ارفع‌الدوله»، ۳۱۱.

4. BOA, BEO, 3666 / 274927.

۵. نک: ارفع، خاطرات پرنس ارفع دانش، ۴۳۰-۴۳۳.

که از این ماجرا و اقدامات خودسرانه محمدآقا (فروش احکام و لباس و منصب نظامی به سایر کردها و خرید و جمع آوری اسلحه در منزل) آگاه شده بود، این قضیه را با فریدپاشا صدراعظم عثمانی در میان گذاشته و پس از تأیید صحت ماجرا، سلطان عبدالحمید دوم دستور به پس گرفتن القاب پاشائی و میرآلایی و زندانی کردن محمدآقا و سایر کردها داد.^۱

تصرف ساوجبلاغ به دست نیروهای عثمانی تقریباً با عزل ارفع الدوله از سفارت استانبول و جایگزینی علاءالسلطنه به جای وی همزمان بود. در سال‌های ۱۳۱۸-۱۳۱۹ق عشایر ایران و عثمانی در دو طرف مسئله ساز شده و به طرف مقابل پناه بردند. فراریان عشایر به لحاظ اهمیتی که داشتند، سبب شدند تا مذاکراتی میان ارفع الدوله به همراه مشیرالدوله و شمس‌الدین بیگ، سفیر کبیر عثمانی، صورت گیرد. در این مذاکرات به رغم اهمیت عشایر برای دولت‌ها توافقی صورت نگرفت؛ ولی اعلان شد تا مأموری بی طرف مسئولیت رسیدگی به این موضوع را برعهده بگیرد. با این همه، در بحبوحه این اتفاقات بود که دست‌اندازی عثمانی به شکل گسترده‌ای به خاک ایران آغاز شد. در این زمان در عثمانی مطبوعات و به خصوص روزنامه صبح در شماره‌های ۶۷۱۷ و ۶۷۱۸ دست‌اندازی‌ها را به ایران نسبت می‌دادند و هجوم تازه به خاک ایران را از جانب عثمانی امری بی اساس می‌خواندند. پس از تصرف ساوجبلاغ به وسیله عثمانی، ارفع الدوله از سلطان عبدالحمید که مخالف بازگشت ارفع الدوله به تهران بود، درخواست کرد تا با سفارت علاءالسلطنه موافقت کرده و دستور دهد نیروهای عثمانی از ساوجبلاغ خارج شوند. سلطان عبدالحمید دوم با هر دو درخواست موافقت کرد.^۲ با وجود این، ارفع الدوله تا سال ۱۳۲۸ق در سفارت استانبول باقی ماند؛ چراکه علاءالسلطنه طی تلگرافی از بی میلی خویش نسبت به احراز این مقام سخن گفته بود.^۳

از دیگر حوادثی که در مدت سفارت استانبول برای ارفع الدوله رخ داد، می‌توان به تلاش برای سوء قصد به وی اشاره کرد. به نوشته ارفع، میرزا آقای اصفهانی از وی خواسته بود کنسولگری طرابوزان را به وی واگذارد و پس از مخالفت ارفع، میرزا آقا وی را تهدید کرده بود. او سپس به ادسا، باکو و تبریز رفته و طی سخنرانی‌هایی ارفع را همدست سلطان عبدالحمید دوم و مخالف مشروطه معرفی و مردم را به قتل ارفع برانگیخته بود. ارفع به وسیله نزدیکانش در تبریز و سفارت پاریس از این سوء قصد آگاه شده و توانست از مهلکه جان سالم به در برد.^۴ برخی از پژوهشگران با استناد به نامه مهدی اختر تبریزی، مدیر روزنامه اختر،

۱. همان، ۴۳۳-۴۳۵.

۲. ارفع، خاطرات پرنس ارفع دانش، ۴۳۷.

۳. شمس، ۱۳۲۶ش، شماره ۳، ۵۳.

۴. ارفع، خاطرات پرنس ارفع دانش، ۴۴۰-۴۴۲.

به مظفردالدین شاه که درخواست عدم تعرض سفارت ایران به وی را مطرح کرده بود و همچنین مطالب زیادی در نشریات برضد ارفع که پس از تشکیل مجلس شورای ملی منتشر شد، چنین نتیجه گرفته‌اند که وی از مخالفان مشروطه بوده است.^۱ معزی به درستی دلیل مخالفت میرزا آقا اصفهانی با ارفع را درخواست کنسولگری طرابوزان نمی‌داند. بنا بر نظر وی، مجلسی که بازرگانان در سال ۱۳۲۵ق در خان والده تشکیل دادند و قرار را بر نظارت بر مدرسه و بیمارستان ایرانیان استانبول و رسیدگی به مسائل و مشکلات بازرگانان در انجمن تجار به جای سفارت نهادند، خوشایند ارفع‌الدوله نبود. از سوی دیگر، دستور عثمانی به سفارت ایران نیز این بود که مانع از تجمع ایرانیان و تشکیل مجالس آنان گردد. از همین رو، به میرزا آقا پیغام داد که در صورت ادامه یافتن جلسات، دولت عثمانی او را از استانبول اخراج خواهد کرد. میرزا آقا اعتنایی به پیام سفیر نکرد و چند روز بعد خان والده به بهانه دستگیری میرزا آقا از سوی نیروهای عثمانی محاصره شد و میرزا آقا بنا به دستور سفارت از استانبول اخراج شد.^۲ اخراج میرزا آقا اصفهانی اعتراض تجار را در استانبول برانگیخت و مکتوبات فراوانی برضد ارفع‌الدوله در روزنامه‌ها منتشر شد. در جلسه ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ق مجلس شورای ملی، وکلای آذربایجان نیز مکتوبی برضد وی در خصوص سخت‌گیری بر تجار قرائت کردند. در این جلسه، تقی‌زاده از مجلس خواست تا به مظالم ارفع‌الدوله رسیدگی شود.^۳

ارفع‌الدوله در اواخر مدت اقامت خویش در استانبول با تلگرافی از نجف با امضای ملاکاظم خراسانی و ملاعبدالله مازندرانی مبنی بر عدم صلاحیتش در رسیدگی به امور تبعه ایران و وظیفه انجمن سعادت مبنی بر رسیدگی به این امور، مواجه و در پاسخ مدعی شد که چون مقلد ملاکاظم خراسانی است، امر وی را اطاعت خواهد کرد. سه روز پس از این ماجرا، جمعی از اتباع ایران در سفارت‌خانه ایران در استانبول تجمع کرده و خواهان رسیدگی ارفع‌الدوله به امور ایشان شدند. علت این امر فرار اعضای انجمن سعادت بود؛ چراکه پس از توصیه انجمن سعادت مبنی بر عدم پرداخت مالیات از سوی دو نفر از تبعه ایران به دولت عثمانی، مأموران عثمانی این دو ایرانی را دستگیر و محبوس کرده بودند. انجمن سعادت نیز نامه شدیدالحنی به وزارت خارجه عثمانی نوشت که موجب خشم وزیر خارجه عثمانی و صدور دستور تعقیب اعضای انجمن سعادت شد. ارفع‌الدوله در ابتدا از پیگیری امور مردم سر باز زد؛ ولی پس از تلگراف علمای نجف که وی را به پیگیری امور تبعه ایران توصیه کردند، محبوسان را از حبس درآورد و با پرداخت

۱. معزی، «میرزا رضا خان ارفع‌الدوله»، ۳۱۲؛ نیز نک: گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۳۵۴-۳۵۲/۵.

۲. معزی، «میرزا رضا خان ارفع‌الدوله»، ۳۱۱-۳۱۲.

۳. مجلس، ۱۳۲۵، شماره ۸۵، ۳.

مالیات موافقت کرد و قرار بر این شد تا کسی متعرض انجمن سعادت نیز نشود.^۱

استانبول در آن دوران یکی از مراکز حضور مشروطه خواهان ایرانی بود و دولت عثمانی از سفارت ایران پی در پی درخواست می کرد تا مانع از تجمع ایرانیان و بحث آن ها در خصوص مشروطه شود؛ زیرا این امر را باعث ایجاد کدورت میان دو حکومت می دانست. ارفع الدوله نیز در این میان سعی داشت تا در عین تأمین استقلال سفارت، با دستورهای دولت عثمانی نیز مخالفت نکند. همه این مسائل باعث شد تا در روزنامه های مختلف، مکتوبات فراوانی بر ضد وی نگاشته شود و در داخل ایران نیز مشروطه خواهان طی درخواست های متعددی خواستار مجازات و رسیدگی به مظالم ارفع الدوله شوند. وزارت خارجه در این زمان سعی در خاموش کردن این آتش داشت و همه اقدامات ارفع الدوله را ناشی از صلاح اندیشی وی دانست.^۲ در این میان علاء السلطنه نیز نامه ای برای ارفع الدوله نوشت و در آن عنوان کرد که تمایلی به جانشینی وی ندارد. تنها اقدام ارفع الدوله در این دوران برای مقابله با مخالفانش و گفته های آنان، فرستادن وجوهات، مکتوبات و مقالاتی برای مطبوعات در دفاع از خود بود. از سوی دیگر کتابچه ای با عنوان دادخواهی نوشت و سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی را به عنوان وکیل خود معرفی کرد تا در مقابل اتهاماتی چون خیانت و ... حکم لازم را اعلام کنند.^۳ ارفع الدوله اقدامات خود در استانبول را خدمتی بزرگ به ایران می دانست.^۴ ولی این گونه اقدامات سودی نبخشید و وی همچنان مورد تفرق مشروطه خواهان باقی ماند.^۵ ارفع الدوله که در نهایت تصمیم به همکاری با انجمن سعادت گرفته بود، برای انجمن کمک های مالی (سه هزار منات) ارسال کرد.^۶ علاوه بر آن، با ارسال کمک مالی (چهارصد لیره) از مشروطه خواهانی همچون ستارخان حمایت کرد.^۷

سفارت ارفع الدوله در استانبول ده سال طول کشید.^۸ وی در این مأموریت بسیار پیشرفت کرد و توانست ثروت زیادی جمع آوری کند.^۹ او در مدت اقامت در استانبول علاوه بر فعالیت های سیاسی، دست

۱. ارفع، خاطرات پرنس ارفع دانش، ۴۴-۴۳-۴۲. این مطلب که در جای دیگری دیده نشد، شاید از آن دست مطالبی باشد که ارفع الدوله به عراق درباره خود نقل کرده است.

۲. مجلس، ۱۳۲۵ش، شماره ۸۵، ۳.

۳. کوکب دری، ۱۳۲۵ش، شماره ۲۰، ۴.

۴. همان، ۱۳۲۵ش، شماره ۲۱، ۵.

۵. حیل المتین، ۱۳۲۵، شماره ۱۲۶، ۳.

۶. سیداحمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳ش)، ۷۲۴-۷۲۶؛ یحیی دولت آبادی، حیات یحیی (تهران: عطار، ۱۳۷۱ش)، ۲۷/۳؛

علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار (تهران: بهزاد، ۱۳۸۷ش)، ۵۰۵.

۷. ایرج افشار، دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی (تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۸۰ش)، ۷۰۴/۲.

۸. هوشمند، تاریخ پرنس ارفع دانش، ۲۵.

۹. علوی، رجال عصر مشروطیت، ۲۱-۲۲.

به اقدامات فرهنگی نیز می‌زد. در همین ایام اقدام به چاپ دیوان اشعار خود نیز کرد. اگرچه اشعار وی از لحاظ ادبی ارزش چندانی ندارد، از خلال برخی از آن‌ها مانند «آوازه بزم صلح لاهی [لاهی]» می‌توان آگاهی‌های تاریخی به دست آورد. دیوان او که بیش از هزار بیت است، با نام گوهر خاوری در سال ۱۳۲۳ق به خط ابوالقاسم نامی که نایب سفارت کبرای ایران در استانبول بود، تحریر یافته و محمدصادق حسینی (ادیب‌الممالک فراهانی) شاعر، مقدمه‌ای بر آن نوشت.^۱ سندی از آرشیو عثمانی مربوط به سال ۱۳۲۳ق نشانگر درخواست صدور مجوز چاپ «آوازه بزم صلح لاهی» پس از انجام اصلاحات و تعدیلات و ارسال دو نسخه از آن همراه با ترجمه ترکی با نظارت معارف عثمانی از سوی ارفع‌الدوله است.^۲ از دیگر اقدامات فرهنگی ارفع‌الدوله در عثمانی می‌توان به درخواست وی از سلطان عبدالحمید دوم مبنی بر آزادی شیعیان و ایرانیان در اجرای مراسم مذهبی در مکه و مدینه اشاره کرد که موافقت سلطان را نیز در پی داشت.^۳

بنا بر خاطرات احتشام‌السلطنه، سفارت ایران در استانبول در اواخر دوران ماموریت ارفع‌الدوله اوضاع نابسامانی داشت. به طوری که کار اتباع ایرانی در محل سفارت به تجمع، هتاک و فحاشی کشیده می‌شد و در امور جزئی و کلی سفارت نیز دخالت می‌کردند.^۴ ارفع‌الدوله پس از ده سال سفارت در استانبول، برای معالجه راهی پاریس شد و منتصرالسلطنه مأمور سیاسی سابق مصر را نایب سفارت استانبول قرار داد.^۵ وی پس از مدتی و در زمان سفارت احتشام‌السلطنه به استانبول بازگشت. ارفع‌الدوله در این سفر با پیشنهاد انورپاشا وزیر جنگ عثمانی مبنی بر اتحاد با آلمان و عثمانی و اعلان جنگ به روسیه مواجه شد و آن را رد و دوباره استانبول را به مقصد فرانسه ترک کرد.^۶

پس از سفارت عثمانی

ارفع‌الدوله پس از اتمام کار در سفارت استانبول، با پیشنهاد پادشاه مستقل موناکو مبنی بر ساختن استراحتگاهی در آن جا و عضویت در انجمن صلح موافقت کرد. وی خانه خود را به موزه‌ای از آثار ایرانی تبدیل کرد.^۷ پس از شش سال حضور در موناکو، در سال ۱۳۳۰ق از طرف کابینه‌ء علاء‌السلطنه به عنوان

۱. ارفع، گوهر خاوری، ۱۲، ۱۲۵، ۱۳۱.

2. BOA, MF.MKT, 864/ 44-6.

۳. هوشمند، تاریخ پرنس ارفع دانش، ۱۲۶.

۴. احتشام‌السلطنه، خاطرات احتشام‌السلطنه، ۷۱۳.

۵. ارفع، خاطرات پرنس ارفع دانش، ۴۴۶.

۶. همان، ۴۸۷-۴۸۹.

۷. هوشمند، تاریخ پرنس ارفع دانش، ۹۹-۹۸.

وزیر معارف انتخاب و در شانزدهم شعبان ۱۳۳۱ق وارد تهران شد و پس از عملی ندیدن برنامه‌هایش در سمت وزیر معارف، استعفا داد.^۱ چندی بعد به جای ممتاز السلطنه به وزارت عدلیه گماشته شد.^۲ وزارت عدلیه وی بیش از یک سال طول نکشید^۳ و در سال ۱۳۳۳ق رهسپار اروپا شد.^۴ ارفع الدوله از ۱۳۳۹ یا ۱۳۴۰ق به مدت هفت سال به عنوان نماینده ایران در جامعه ملل حضور یافت.^۵ وی در یکی از سخنرانی‌هایی که در جامعه ملل داشت، دربارهٔ مظلومیت ایران و خسارات وارد به آن در جریان جنگ جهانی اول صحبت کرد. وی خسارات مالی را چهارصد و سی و شش میلیون و چهارصد و پنجاه و پنج هزار و ده تومان معادل چهار میلیارد فرانک سوییس و خسارات جانی را سیصد هزار نفر برآورد کرده بود.^۶

نقل قولی از ارفع دربارهٔ گفتگوش با مصطفی کمال (بعدها آتاتورک) وجود دارد که باورش سخت می‌نماید. وی روایت کرده است که در اوایل جنگ‌های استقلال که یونانیان از میر را تصرف کرده بودند، تعداد زیادی از ترکان اسیر آن‌ها در هنگام اسارت وضع مناسبی نداشتند. به گفتهٔ او، مصطفی کمال پاشا طی تلگرافی به ارفع الدوله اعلام کرده است: «یونانی‌ها عدهٔ زیادی از ترکان را اسیر کرده برده‌اند. نه چادر می‌دهند، نه دوا و نه غذا، این بدبخت‌ها مثل برگ خزان از بی‌دوایی و غذایی می‌افتند و می‌میرند. در عالم انسانیت از شما خواهش می‌کنم در جامعه ملل چاره‌ای به این ظلم و تعدی و بی‌مبالاتی بیاندیشید». بنا بر پیشنهاد ارفع الدوله به جامعه ملل، مسیو ناسین نمایندهٔ نروژ از طرف جامعه ملل رئیس کمیسیون شده و با جمعی از پزشکان به یونان رفته و اسرا را تحت حمایت جامعه ملل درمی‌آوردند.^۷

از دیگر فعالیت‌های ارفع الدوله در جامعه ملل موافقت با ماده‌ای بود که پس از جنگ اول جهانی اعلام می‌داشت: اگر یکی از اعضای جامعه ملل از طرف دولتی مورد هجوم واقع شود، تمام اعضای دیگر مجبورند هریک به قدر وسع خود به کمک شتافته و مانع از بین رفتن تمامیت ارضی آن کشور شوند. اما چون انگلستان خود را در این زمان از کمک دیگران مستغنی می‌دید، با کمک نمایندهٔ کانادا می‌خواست از این موضوع شانه خالی کند و پیشنهاد داد که در این ماده قید اجبار حذف شود و کمک ممالک با اجازهٔ

۱. ساعی حریرچیان، ارفع‌نامه، ۱۳۰.

۲. سپهر، مرآت الوقایع مظفری، ۲۱، ۵۰۲؛ قهرمان‌میرزا سالور عین السلطنه، روزنامهٔ خاطرات عین السلطنه، به تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار (تهران: اساطیر، ۱۳۷۴ش)، ۴۰۵/۵.

۳. علوی، رجال عصر مشروطیت، ۲۲.

۴. مرسلوند، زندگی‌نامهٔ رجال و مشاهیر ایران (جلد اول: ۱۳۲۰-۱۲۹۹ش)، ۱۴۰.

۵. حسن فراهانی، روزشمار تاریخ معاصر ایران، تهران: موسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵ش، ۳۱۶/۲؛ هوشمند، تاریخ پرنس ارفع دانش، ۲۵.

۶. عین السلطنه، روزنامهٔ خاطرات عین السلطنه، ۵۹۶۸/۸-۵۹۶۹.

۷. ارفع، خاطرات پرنس ارفع دانش، ۵۵۳-۵۵۴؛ این مطلب که در جای دیگری گزارش نشده، شاید از بزرگ‌نمایی ارفع الدوله دربارهٔ نقش خود باشد. نظر به این که در گزارش دیگران اشاره‌ای به این موضوع نشده است، باید دربارهٔ صحت آن با احتیاط نظر داد.

پارلمان‌های آن‌ها باشد. تنها مخالف انگلستان که به صراحت مخالفت خود را با آن کشور و موافقتش را با ماده موجود اعلام کرد، میرزا رضا ارفع‌الدوله بود.^۱

میرزا رضا ارفع‌الدوله در سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۴۳ ق همزمان با فعالیت در جامعه ملل، نماینده اول دولت ایران در کنفرانس‌های گندم و مهاجرت در رم بود. در سال بعد با حفظ عنوان سفیر کبیری، وزیر مختار افتخاری فنلاند، سوئد، نروژ و دانمارک را کسب کرد. زمانی که مأموریت وی در جامعه ملل به پایان رسید، در ازای خدماتی که انجام داده بود، از طرف رضاشاه پهلوی نشان همایون دریافت کرد.^۲

ارفع‌الدوله به مدت هشت سال نماینده ایران در جامعه ملل بود و به سال ۱۳۰۷ ش به ایران احضار شد. در آن زمان رضاشاه تصمیم داشت به جای مجلس سنا، شورای دولت تشکیل داده و ارفع را به ریاست آن انتخاب کند که او این درخواست را نپذیرفت. ارفع در خاطراتش دلیل رد این درخواست را دشمنی شاهزاده فیروزمیرزا با وی که در کابینه حاضر نیز نفوذ کاملی داشت، عنوان کرده است. ارفع در عوض خواستار دریافت مأموریت خارجی شد که مورد پذیرش قرار نگرفت.^۳ وی تا ۱۳۱۰ ش در تهران بدون هیچ پست و مقامی باقی ماند تا اینکه توانست پس از دریافت نشان همایون درجه اول از شاه، اجازه رفتن به موناکو را بگیرد. وی در نهایت در ۱۳۱۶ ش در موناکو درگذشت.

نتیجه

میرزا رضا ارفع‌الدوله، از رجال سیاسی اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی، در ابتدای جوانی خویش راهی قفقاز شد و پس از آموختن زبان‌های خارجی و نمایاندن استعدادش به دستگاه وزارت خارجه ایران ورود یافت. او به سرعت مدارج ترقی را طی کرد و در روسیه و عثمانی به مناصب مهمی از جمله سفارت دولت ایران رسید. وی مدتی نیز در جامعه ملل به عنوان نماینده دولت ایران حضور داشت.

ارفع‌الدوله در زمان سه تن از سلاطین قاجار (مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه و احمدشاه) سفیر ایران در عثمانی و بسیار مورد توجه سلطان عبدالحمید دوم بود. سفارت وی که پس از حضورش به عنوان سفیرکبیر ایران در جشن بیست و پنجمین سال سلطنت عبدالحمید دوم (۱۳۱۹ ق) محقق شد، ده سال به طول انجامید. ارفع‌الدوله پس از انتصاب به سفارت کبرای ایران از سوی مظفرالدین شاه مسئول همراهی و اعلام مساعدت با سیاست اتحاد اسلام عثمانی‌ها بود؛ اما در نتیجه عدم نظر مساعد شیخ ابوالهدی از

۱. هوشمند، تاریخ پرنس ارفع دانش، ۴۸۷.

۲. همان، ۲۹۰.

۳. ارفع، خاطرات پرنس ارفع دانش، ۵۵۷.

رؤسای طریقه رفاعیه حلب که بر سلطان عبدالحمید دوم تأثیر فراوانی داشت، توفیقی نیافت. ارفع الدوله دبستان ایرانیان و بیمارستان ایرانیان در استانبول را توسعه داد. نیز با درخواست از سلطان عبدالحمید دوم، ایرانیان استانبول را از پرداخت مالیات معوقه مکتب، مریض‌خانه و قبرستانی که در استانبول بنا کرده بودند، معاف کرد. با وجود اینکه درخواست وی مبنی بر معافیت دائمی این موارد پذیرفته نشد، توانست اجازه اجرای آزادانه مناسک دینی ایرانیان و شیعیان در مکه و مدینه را از سلطان عثمانی کسب کند.

وی در طول دوران سفارتش در استانبول علاوه بر حفظ روابط حسنه با دولت عثمانی در رفع مسائل و مشکلاتی که برای دولت ایران و یا اتباع ایرانی ساکن در عثمانی رخ می‌داد، تلاش‌هایی دیگری نیز صورت داد که از آن جمله می‌توان به حل مشکلات مرزی ناشی از رفت و آمد ایلات و تهاجم نظامیان دولت عثمانی به ایران، حل ماجرای گزارش وهاب بیگ، کاردار سفارت عثمانی در تهران، مبنی بر توهین ایرانیان به خلفای راشدین و ناراحتی توفیق پاشا (وزیر خارجه عثمانی) از این بابت و تصمیم سلطان عبدالحمید دوم مبنی بر بستن سفارت‌خانه‌ها و بازگشت کارگزاران به کشورهای خود، حل ماجرای محمدآقا رئیس ایل شکاک که از سلطان عبدالحمید دوم درخواست حمله به تبریز و ستاندن انتقام فرزند محمدآقا از نظام السلطنه حاکم تبریز را داشت و حل ماجرای تصرف ساوجبلاغ به دست نیروهای عثمانی در سال ۱۳۲۷ق اشاره کرد. همکاری با مشروطه‌خواهان ایرانی و ارسال کمک‌های مالی به انجمن سعادت و ستارخان از دیگر اقدامات وی در مدت سفارتش در استانبول بود. وی در این شهر علاوه بر عهده‌داری نقش سیاسی، دست به اقدامات فرهنگی نیز می‌زد که از آن جمله می‌توان به چاپ دیوان اشعارش اشاره کرد.

ارفع الدوله در راستای حل مشکل فرزندان که از پدران ایرانی و مادران عرب (عثمانی) به دنیا آمده بودند و دولت عثمانی ایشان را مکلف به انجام خدمت سربازی کرده بود و همچنین مسائل مربوط به دست‌اندازی ایلات و عشایر ساکن عثمانی به قلمرو ایران نیز تلاش‌هایی صورت داد. وی از سال ۱۳۲۳ق درگیر مسئله تصرف منطقه پسوه و وزنه و لاهیجان بود. در این زمان نظامیان عثمانی این مناطق را به اعتبار این‌که جزء خاک آنان است، تصرف کرده و حاضر به خروج نیروهای خود نبودند. ارفع الدوله که برای مذاکره با مقامات عثمانی مأمور شده بود، پس از گفت‌وگو با مقامات عثمانی و تشکیل کمیسیونی مشترک مذاکرات را پی گرفت. در نهایت و پس از مذاکرات فراوان، با وجود حمایت دولت آلمان از عثمانی‌ها و اصرار ایشان بر تعلق بی‌شک و شبهه این مناطق به دولت عثمانی، اراضی مورد اختلاف به ایران بازگردانده شد.

قضاوت نهایی درباره نقش مثبت و یا منفی میرزا رضا ارفع در سفارت استانبول به جهات مختلف بسیار دشوار است. او از آن دسته رجل سیاسی است که درباره خود زیاد نوشته است. طبیعی است که در

این خودنوشته‌ها وجه تأیید و تعریف از خود غلیظ باشد. از سوی دیگر اظهار نظر دیگران مانند اعضای انجمن سعادت ایرانیان استانبول درباره ارفع چندان مثبت نبوده است. آنها ارفع را به ضدیت با مشروطه و مزاحمت ایجاد کردن برای آن‌ها در مسیر فعالیت‌های آزادی‌خواهانه‌ای که در استانبول انجام می‌دادند، متهم می‌کنند. به‌رغم این تصویر منفی که آنان از او ارائه می‌کنند، به مواردی از کمک‌ها و همراهی‌های او با آزادی‌خواهان ایرانی مقیم استانبول نیز اشاراتی دارند. همه اینها نشان می‌دهد که ارفع از شخصیت پیچیده‌ای برخوردار بود. به گونه‌ای که قضاوت بسیط درباره او را سخت می‌نماید.

با وجود این، در یک ارزیابی کلی شاید بتوان گفت که میرزا رضا ارفع دیپلماتی عمل‌گرا و نفع‌گرا بود که به تناسب موقعیت‌ها و شرایط و با در نظر گرفتن منافع شخصی و ملی و براساس تحلیل‌های فردی که از تحولات داشت، تصمیم گرفته و عمل می‌کرد. در عین حال، به‌طورکلی آرا و مواضع و کنش‌های او در استانبول به عنوان سفیر ایران، در مخالفت با مشروطه‌خواهی و مشروطه‌خواهان بود. به همان اندازه که میرزا محسن خان معین‌الملک در دوره مشروطه اول عثمانی به عنوان سفیر ایران در استانبول در موافقت و همراهی با مشروطه‌خواهان عثمانی گام برداشت، خلف او میرزا رضا ارفع در دوران مشروطه ایران و مشروطه دوم عثمانی، نیز در مخالفت با این جریان و تفکر آزادی‌خواهی عمل کرد.

فهرست منابع:

احتشام‌السلطنه، میرزا محمودخان. خاطرات احتشام‌السلطنه. به کوشش سید محمد مهدی موسوی. تهران: زوار، ۱۳۶۶ش.

ارفع، حسن. در زمانه پنج‌شاه. تهران: ماهی، ۱۳۸۷ش.

ارفع، رضا. خاطرات پرنس ارفع دانش. به کوشش علی دهباشی. تهران: شهاب‌ثاقب، سخن، ۱۳۷۸ش.

ارفع، رضا. گوهر خاوری. به کوشش و با مقدمه محمدصادق الحسینی. استانبول: بی‌نا، ۱۳۲۳ق.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن. خلسه مشهور به خوابنامه. به تصحیح محمود کتیرائی. تهران: طهوری، ۱۳۴۸ش.

افشار، ایرج. دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی. تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۸۰ش.

ترکمان، محمد. مکتوبات، اعلامیه‌ها و چند گزارش پیرامون نقش شیخ فضل‌الله نوری در مشروطیت. تهران: رسا، ۱۳۶۳ش.

تیموری، ابراهیم. عصر بی‌خبری. تهران: اقبال، ۱۳۵۷ش.

خان ملک ساسانی، احمد. یادبودهای سفارت استانبول. تهران: بابک، ۱۳۴۵ش.

دولت‌آبادی، یحیی. حیات یحیی. تهران: عطار، ۱۳۷۱ش.

ساعی حریرچیان، محسن. ارفع نامه (تاریخچه زندگانی جناب اشرف پرنس ارفع متخلص به دانش). تهران: بی‌نا، ۱۳۱۴ش.

سپهر، عبدالحسین خان. مرآت الوقایع مظفری. به تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۶ش.
سهام الدوله بجنوردی، یارمحمدخان. سفرنامه‌های سهام الدوله بجنوردی. به تصحیح قدرت‌الله روشنی. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ش.

شمیم، علی اصغر. ایران در دوره سلطنت قاجار. تهران: بهزاد، ۱۳۸۷ش.

علوی، سید ابوالحسن. رجال عصر مشروطیت. به تصحیح حبیب یغمایی و ایرج افشار. تهران: اساطیر، ۱۳۸۵ش.
فراهانی، حسن. روزشمار تاریخ معاصر ایران. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵ش.
عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور. روزنامه خاطرات عین السلطنه. به تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر، ۱۳۷۴ش.

کسروی، احمد. تاریخ مشروطه. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳ش.

گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی. به کوشش واحد نشر اسناد. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰ش.

مرسلوند، حسن. زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران (جلد اول: ۱۳۲۰-۱۲۹۹ش). تهران: الهام، ۱۳۶۹ش.

مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من. تهران: زوار، ۱۳۸۴ش.

معزی، فاطمه. «میرزا رضاخان ارفع الدوله». تاریخ معاصر ایران، شماره ۲۳ (پاییز ۱۳۸۱): ۲۸۹-۳۲۰.

ناظم‌الاسلام کرمانی، میرزامحمد. تاریخ بیداری ایرانیان. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴ش.

هوشمند، محمدجواد. تاریخ پرنس ارفع دانش. تهران: مطبوعه طلوع، ۱۳۱۵ش.

روزنامه‌ها:

ایران سلطانی

جبل‌المتین

شمس

کوکب دری

مجلس

اسناد:

آرشیو نخست‌وزیری ترکیه

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه